

مرگ تنها مرد روی زمین

نویسنده

نوال سعداوی

www.ketab.ir

مترجم

معصومه قهرمان پور



سرشناسه	: سعداوی، نوال
	Sadawi, Nawal
عنوان و نام پدیدآور	: مرگ تنها مرد روی زمین/نویسنده نوال سعداوی ؛ مترجم معصومه قهرمان پور.
مشخصات نشر	: تهران: نیلاب، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۵ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۸-۲۶-۱ ریال ۴۵۰۰۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: داستان‌های عربی -- مصر -- قرن ۲۰م.
موضوع	: Arabic fiction -- Egypt -- 20th century
شناسه افزوده	: قهرمانپور، معصومه، ۱۳۵۷-، مترجم
رده بندی کنگره	: PJA۴۸۷۰
رده بندی دیویی	: ۷۳۶۸۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۳۵۰۵۲

عنوان: مرگ تنها مرد روی زمین

نویسنده: نوال سعداوی

مترجم: معصومه قهرمان پور

آدرس: تهران، میدان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، بن‌بست مرکزی پلاک ۳ واحد ۱

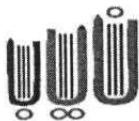
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شابک:

چاپ و لیتوگرافی: چاپ پارمیدا

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال



www.ketab.ir

مقدمه نویسنده

نمی‌توانم به خوبی از عهده نوشتن مقدمه برآیم. ممکن است داستان هزار صفحه‌ای بنویسم اما قادر به نوشتن مقدمه نیم صفحه‌ای نیستم. همراه زندگی من یک شخصیت غیرقابل درک است که در خواب هم مثل بیداری می‌نویسد. نه به چرخش زمین به دور خود اهمیت می‌دهد و نه به چرخش زمین به دور خورشید.

می‌خندد و می‌گوید: ما هرطور که بخواهیم آزادیم، می‌گردیم یا نمی‌گردیم. اما عقل من برخلاف میل من در خواب هم مثل بیداری می‌گردد.

هر روز صبح با صدای زنگ بیدار می‌شوم. صدای آن از هر جا باشد به من می‌رسد، از هر جایی روی کره زمین. از کودکی عاشق سفر است، تا وقتی سفر نکند به وطن بازمی‌گردد، هرچقدر دور شود و غیبت طولانی گردد او را جلوی در خانه‌ام با چمدان قدیمی به رنگ شراب قرمز می‌بینم. خورشید آن را سوزانده و باران‌ها در جنوب و شمال خیس‌اش کرده و نسبت به قبل سرخی‌اش کمتر است. اگرچه قرمز رنگ و چرخه‌ایش محکم و بدنه‌اش مقاوم است، با گذشت زمان نیرویش کمتر شده است. آن را درحالی‌که از فرودگاه‌ها و ایستگاه‌ها عبور می‌کند، پشت سرش می‌کشد؛ در حیایان‌های صاف و سنگفرش می‌لغزد و پر از کتاب و لباس‌ها با سنگینی‌اش در کوچه‌ها، جایی که حفره‌ها و دیست‌اندازه‌است، فرومی‌رود. دسته آن محکم است و جدا نمی‌شود و اسمش را داخل یک قطعه پلاستیک سفید به حجم کف دست، حمل می‌کند.

اسم او در وزارت داخلی، امور اجتماعی، اداره زندان‌ها و ادارات کنترل نشر، نویسندگی و آثار هنری ثبت شده است.

افسر پلیس در فرودگاه قاهره به اسم او خیره می‌شود. به عکسش در گذرنامه سفرش به دقت نگاه می‌کند و به او لبخند می‌زند: الحمدلله، به سلامت استاد. با مهر، روی گذرنامه‌اش می‌زند و وارد می‌شود. اگر لیست سیاه قبل از بازگشت او برسد، با مهربانی‌ای که از مادرش به ارث برده از او عذرخواهی می‌کند. یک صندلی به او می‌دهد تا استراحت کند و یک لیوان آب: متأسفم استاد، وظایفی دارم که باید انجام بدهم. اگر او عضوی از حزب جهاد یا داعش یا حزب دولتی باشد، نیشش را باز می‌کند. با صدای بلند کف می‌زند و او را با چمدانش در اتاق قرنطینه توقیف می‌کند؛ جایی که با افراد مختلفی ملاقات می‌کند، برخی مبتلا به جذام و آنفلونزای خوک و برخی مبتلا به جنون یا کفر. در میان آن‌ها آرایشگر سوسو، در محله مجل جردن سیتی، مشهور بوده و هنر کمیاب آرایشگری زنان و مردان را به دست آورده است.